مدیریت شهری
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019
۲۸۳-۳۰۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۶ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱/۲۵

سنجش و ارزیابی شاخص‌های موثر بر کارکرد مسکن روستایی پایدار با تاکید بر نقش فرهنگ و اجتماع

جمال‌الدین مهدی‌نژاد* - دانشیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

علی شرقی - استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

فائزه اسدپور -دانشجوی دکتری معماری دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

چکیده

مسکن در برآوردن هر یک از نیازهای اساسی انسان نقش ویژه‌ای دارد و مسکن روستایی به عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر است که از کنش متقابل نیروها وعوامل مختلفی نظیر عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته که از این حیث دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد. امروزه از مسکن سنتی که بتواند، پاسخگوی نیازهای اعتقادی و اجتماعی ساکنان خود، در روستا باشد، خبری نیست و مسکن‌هایی جایگزین آن گشته که به‌واسطه‌ی کمبود شدید غنای فضایی متاثر از تحولات اجتماعی و فرهنگی کیفیت فضایی لازم را مثل سابق نداشته است، بنابراین این سوال مطرح می‌شود که عوامل فرهنگی و اجتماعی چگونه بر کارکرد مسکن روستا از لحاظ میزان پایداری تاثیرگذار است؟ و شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن پایدار روستایی کدامند؟ پس انجام این پژوهش به‌منظور جلوگیری از روند الگوپذیری از تجارب نامطلوب و پرهیز از تکرار تجربیات ناموفق در ساخت و سازهای آینده در جهت حفظ اصول و ارزش‌های یک مسکن ایرانی ضرورت داشته است. لذا این پژوهش بنا به ماهیت، موضوع و اهدافی که برای آن پیش‌بینی شده، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد، جامعه آماری این تحقیق، جمعی از سرپرست خانوار مسکن روستاهای شهرستان نور بوده که از میان آنها ۱۷۵ نمونه، با روش تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری اطلاعات میدانی از طریق ابزار پرسشنامه، شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در میزان پایداری مسکن روستایی، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آمارها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است؛ مسکن‌های ساخته‌شده طی ۸ ساله گذشته در روستاهای شهرستان نور به میزان ۲۱% در شرایط پایدار، به میزان ۳۶% در شرایط تا حدی پایدار و به میزان ۴۳% در شرایط ناپایدار قرار دارند.

کلمات کلیدی: عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، مسکن روستایی، مسکن پایدار، شهرستان نور.

Evaluation of the Indicators Affecting the Function of Sustainable Rural Housing with an Emphasis on the Role of Culture and Society

Abstract

Housing plays a special role in meeting each of the basic human needs. As an integrated system, rural housing consists of interconnected elements that is formed by interacting with different forces and factors, including cultural and social factors, and have certain structure and functions. Today, there is no traditional housing in the villages that can meet religious and social needs of its inhabitants; however, there are alternative habitats that do not have the necessary spatial quality as before due to the severe shortage of spatial richness influenced by social and cultural changes. Therefore, the question is how did cultural and social factors affect the functioning of rural housing in terms of sustainability? And what are the factors influenced by cultural and social factors in sustainable rural housing? Thus, doing this study is necessary to prevent the process of modeling from undesirable experiences and avoid repetition of unsuccessful experiences in the future constructions in order to maintain the principles and values of an Iranian housing. Therefore, this is a descriptive-analytical study in terms of its nature, topic and objectives. The statistical population of the study is a group of the heads of the household in the villages of Noor city, among which 175 participants were questioned by simple random sampling method. Instrument of the study was a questionnaire. After collecting field information, the indices influenced by cultural and social factors in the level of rural housing sustainability were analyzed by statistical analysis software. The results indicated that the houses built in villages of Noor city over the past 8 years were stable in 21%, relatively stable in 36% and unstable in 43%.

Keywords: Cultural factors; Social factors; Rural housing; Sustainable housing; Noor city.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۵۸۰۳۴۳ ؛ رایانامه: mahdinejad@sru.ac.ir

این مقاله در راستای رساله دکتری معماری نگارنده سوم به راهنمایی نگارندگان اول و دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران در حال انجام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

یکـی از نیازهـای انسـان، نیـاز بـه مسـکن اسـت که به عنـوان یکـی از اصلی‌تریـن بناهایـی اسـت کـه توسـط مـردم هـر جامعـه سـاخته می‌شـود. مسـکن در هـر جامعـه‌ای متاثـر از عوامـل فرهنگـی و اجتماعی شـکل می‌گیـرد و سـاختار آن نیـز از ایـن عوامـل تبعیـت می‌کنـد. بـه گفتـه راپاپـورت بناهـای متعلق به سـنت مردمـی، ترجمـان مسـتفیم و ناخـودآگاه نیازهـا و ارزش‌هـا و همچنیـن تمایـلات و غرایـز یـک قـوم، بـه زبـان فرهنگ مـادی آن ملـت اسـت(راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۳). مسـکن در عیـن حال عامل اصلـی جامعه‌پذیری افراد نسـبت به جهـان و کالایی عمـده و تعیین کننده در سـازمان اجتماعـی فضـا اسـت کـه در شـکل‌گیری هویـت فـردی، روابـط اجتماعـی و اهـداف جمعـی افـراد نقـش بسـیار تعیین‌کننـده‌ای دارد .(Short, ۲۰۰۶: ۱۹۹) مسـکن پایـدار نیـز مسـکنی اسـت کـه نیازهـای نسـل کنونـی را بـر مبنـای کارایـی منابـع طبیعی(انـرژی) بـرآورده سـازد و در عیـن حـال فضای زیسـت جـاذب و ایمـن را ضمـن توجـه بـه اکولـوژی، فرهنگـی و اقتصـادی ایجـاد نمایـد(سـالاروند، ۱۳۹۰: ۵۳)، رودا، اعتقـاد دارد کـه در طراحـی مسـکن پایدار بایسـتی هـم به تعـادل میان مسـکن و محیط سـاخته شـده و همچنیـن بـه ویژگی‌هـای جامعه محلـی توجه شـود(Ruda,۱۹۹۸:۹۳). بنابرایـن، محـل سـکونت هر فـرد، به‌عنـوان مهتریـن فضـای زندگـی او بـوده بـه گونـه‌ای کـه زندگـی فـردی و شـخصی او و اعضـای خانـوادش را در بـر گرفتـه و بـا حفظ حریـم خصوصی انسـان بسـیار حائـز اهمیـت بـوده چراکـه انسـان موجـودی اجتماعـی بـوده و تعامـلات اجتماعـی او بـا اطرافیانـش زندگـی‌اش را در بـر گرفتـه (هروی‌پـوده و رزاقـی، ۱۳۹۳: ۲) بنابرایـن از آنجایی‌کـه تاثیـرات متقابل انسـان‌ها اساسـا از خصلتی فرهنگـی، برخوردار بـوده و در تکامـل اجتماعـی وی نقـش مهمی داشـته، از ایـن حیـث، خانـه نیـز، به عنـوان کانـون تبلـور این ارزش‌هـا و بـه عنـوان یک شـاهد فرهنگـی و اجتماعی در جریانـات زندگـی انسـان همیشـه حضـور داشـته اسـت و نقـش مهمـی را ایفـا می‌کنـد.

بـا تفاسـیر گفتـه شـده، هـر گونـه تغییـر در شـرایط طبیعـی و انسـانی، بـه طریق‌هـای مختلف، در مسـکن تجلـی می‌یابـد، این امر سـبب شـده تا علاوه بـر تغییر شـکل ظاهـری مسـکن، عملکـرد فضاها نیـز دگرگون شـود، بـه گونـه‌ای کـه گاهـا، بعضـی از فضاهـا کارکرد جدیـدی بـه خـود گرفته و برخـی دیگر، کارکـرد خود را از دسـت داده و متـروک شدند(سـعیدی و امینـی، ۱۳۸۹: ۳۴). بنابرایـن، مسـکن و به‌خصـوص مسـکن پایـدار از عوامـل مهـم، در توسـعه پایـدار روسـتایی محسـوب می‌شـود و « بـه عنـوان یکـی از مهمتریـن نیازهـای اساسـی روسـتائیان، از ابتدای تاریخ سـکونت تـا حـال حاضـر، نقـش مهمـی را در شـرایط زیسـتی آنهـا نمـوده و هـر روزه بر اهمیـت آن افـزوده می‌یابد» (ربیعی‌فـر، ۱۳۹۶) لـذا، بـا توجـه به تحولاتـی که طی سـال‌های اخیـر در جوامـع روسـتایی بـه وجـود آمده، پرداختـن بـه مقولـه‌ی پایـدار در توسـعه روسـتایی به طـوری کـه در برگیرنـده‌ی تمـام ویژگی‌هـا و نیازهای متخـص انسـان باشـد، اهمیـت و ضـرورت دارد. در خصـوص نقـش فرهنـگ و مسـائل اجتماعـی در حوزه مسـکن روسـتایی، کتاب‌هـا، پایان‌نامه‌هـا، مقـالات و تحقیقات مختلفی، منتشـر شـده امـا از آنجایی‌که، این پژوهـش بـه طور خـاص به شناسـایی و ارزیابـی عوامل تاثیرگـذار بـر چگونگـی کارکرد تعدادی از مسـکن‌های نوسـازی کـه طـی ۸ سـال گذشـته در روسـتاهای شهرسـتان نور از توابع اسـتان مازندران سـاخته شده و مقایسـه آن با مسـکن پایدار اسـتان، پرداخته است، در نـوع خـود بدیـع می‌باشـد. لـذا در ایـن پژوهـش که از نـوع توصیفـی- تحلیلی اسـت، با مطالعـات کتابخانه‌ای و بررسـی‌های میدانـی صـورت گرفتـه، شناسـایی و ارزیابـی عوامـل موثـر بـر کارکـرد مسـکن روسـتایی پایـدار، بـا تاکید بـر نقش فرهنـگ و اجتمـاع در حوزه مسـکن مازنـدران، با توجـه به: موضوع، سـوال و اهداف پژوهـش طـرح شـده زیر اسـت.

اهـداف: ۱- بـررس و شناسـایی شـاخص‌های متاثـر از عوامـل فرهنگـی و اجتماعـی موجـود در جوامـع

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

روستایی و میزان تاثیرگذاری آن در پایداری مسکن روستایی معاصر.

۲-بررسی و ریشه‌یابی تغییرات الگوی مسکن روستایی، به‌منظور جلوگیری از روند الگوپذیری از تجارب نامطلوب و پرهیز از تکرار تجربیات ناموفق در ساخت و سازهای آینده و توسعه و آبادانی روستاها و همچنین حفظ اصول و ارزش‌های یک مسکن ایرانی جهت فراهم نمودن مسکن مناسبی که درخور روستاییان باشد.

سوالات اصلی:۱- عوامل فرهنگی و اجتماعی چگونه بر کارکرد مسکن روستا از لحاظ میزان پایداری تاثیرگذار است؟

۲-شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن پایدار روستایی کدامند؟

۳- میزان پایداری در مسکن‌های روستاهای شهر نور چگونه می‌باشد؟

انسان موجودی است چند بعدی، که یکی از وجوه او اجتماعی بودنش می‌باشد. حضور او در اجتماعات مختلف و رفع نیازهای مشترک از طریق زندگی جمعی و خصلت اجتماعی او موجب تکامل انسان بوده و تفکر در راه بهسازی زندگی اجتماعی و هدفمند او، باعث پویایی زندگی جمعی او شده است یکی از نهادی که زندگی انسان را در بر می‌گیرد خانه بوده که به‌عنوان فضای زیست، از قدمتی طولانی برخوردار است که هماهنگ با رفع نیازهای زیست‌شناختی و روان‌شناسی انسان است و به‌عنوان یک نهاد، نه فقط یک ساختار بلکه یک مجموعه پیچیده از اهداف ساخته شده‌ای است که تجسم یافته اعتقادات و باورهای انسان در فضای زیست اوست، به دلیل اینکه یک خانه یک پدیده اجتماعی است، فرم و سازمان آن از محیط فرهنگی که به آن تعلق دارد تاثیر می‌پذیرد(رحیمی،۱۳۹۲: ۱؛ خجسته قمری، ۱۳۹۰: ۳).

فرهنگ یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل‌گیری فضاهای معماری به شمار می‌آید. هر جامعه دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن جامعه را پایه‌گذاری می‌کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ می‌باشد. در واقع معماری، وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست(زراعت‌پیشه و حسینی، ۱۳۹۲: ۳) و هر جامعه‌ای، متناسب با فرهنگ خودش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف، زیست و فعالیت کند و آداب و رسوم و فعالیت‌های خاصی را بر پا دارد. بنابراین یک خانه نیازهای فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و بواسطه زندگی اجتماعی و نمود فضایی خاص خود می‌تواند گروه‌های مختلف را در شرایط اجتماعی و منافع مشترک، گرد هم جمع کرده و خود به صورت ماوای دومی برای افراد ساکن آن، جوابگوی نیازهایشان باشد و زمینه‌ساز بسیاری از تعاملات فرهنگی و اجتماعی باشد.

معماری روستاهای ایران با توجه به قدمت چندهزار ساله آن مجموعه‌ای همگن و متناسب را تشکیل می‌دهد که در آن، ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاها در مسکن، همواره به نحوی بوده که به وضوح، نظام اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی روستا را به همراه مقتضیات جغرافیایی در بر گرفته است(حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵) و علیرغم رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست روستایی همچنان به‌عنوان یک شیوه منحصر به فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و فعالیت‌های انسانی مطرح است(آمار، ۱۳۹۲). مسکن روستایی به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات، کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست، این هویت، از شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد(گل‌محمدی، ۱۳۹۰: ۸۳).

این در حالی است که، جوامع روستایی که مجموعه روابط انسانی است که در روستاها شکل می‌گیرد و مفاهیمی چون روابط متقابل فردی، هم مکان بودن، اجتماع طبیعی، گروه‌هایی با هدف مشخص،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

نهادهایی که هسته ارتباط مداوم و پایدار در آنها متبلور می‌شود (ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵: ۱۴۷)، به‌عنوان بخشی از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در طی دهه‌های اخیر با پیچیده‌شدن هر چه بیشتر روابط و مناسبات شهر و روستا (به نوعی وابستگی روز به روز روستاییان به شهر) و به دنبال آن تأثیرپذیری از محیط‌های شهری و رواج الگوهای فرهنگی شهرنشینی با تقلید از آداب و رسوم زندگی و شیوه‌های سکونتی آنان (برای به‌دست آوردن زیستی دلخواه و شایسته)، ورود و گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباطی، نیازمندی‌های نوین برای روستاییان، پدیده‌ها و مسایل جهانی، ورود فناوری‌های نوین ساختمانی، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک، دچار دگرگونی شدند، لذا به دنبال این تحولات؛ مسکن روستایی نیز به‌عنوان جزئی اصلی از عناصر شکل‌دهنده هر روستا، از این تغییرات مصون نمانده، به صورتی که، در بحث عرصه بندی، مفاهیمی چون حریم و سلسله مراتب خصوصی و عمومی در سازماندهی خانه معاصر به‌درستی رعایت نشده و تغییراتی در سازمان فضایی خانه ایجاد شده که موجب محدود شدن دامنه عملکردی فضا شده و در طراحی خانه، به جای محوریت انسان و نیازهای او، اشیاء و لوازم هستند که در شکل‌گیری فضایی خانه حاکمیت پیدا کردند و حدود خانه، فرم فضاها و حتی چگونگی حرکات انسانی را رقم می‌زنند، کم شدن تعاملات و روابط خانوادگی و همسایگی و گسترش فردگرایی و بروز ناهنجارهای اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر که موجب دگرگونی در کارکرد اساسی مسکن امروز در روستا شده است، بنابراین، شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی‌ها؛ در راستای برنامه‌ریزی برای مسکن پایدار و ارائه الگویی مناسب جهت توسعه و آبادانی روستاها و نیز فراهم نمودن مسکن مناسب و درخور روستاییان، مهم می‌باشد. چرا که «معاصرسازی آگاهانه خانه روستایی و انطباق آن با نیازهای امروزی جامعه به‌نحوی که هم پاسخگوی نیاز امروزین و هم در تداوم ارزش‌های معماری کهن باشد مستلزم اطلاع و آگاهی از اصول شکل‌گیری معماری بومی و ارزش‌های محلی آن است» (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۲).

در این پژوهش، تعدادی از مطالعات انجام شده در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار در حوزه روستا و مسکن آن که مرتبط با محورهای این پژوهش می‌باشد، دسته‌بندی گردیده و سعی شده مطابق جدول۱، خلاصه‌ای از آن به صورت روش و یافته‌های تحقیق بیان شود، لذا ضمن بررسی یافته‌های جدول ۱ و سایر مقالات، پژوهش‌ها، کتاب‌ها و تحقیقات منتشر شده قابل مقایسه با این پژوهش، گواه این است؛ در خصوص شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن روستایی که در این پژوهش پیرامون آن بحث می‌گردد، تاکنون پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته و از این حیث انجام این پژوهش در نوع خود بدیع بوده است.

داده‌ها و روش کار

شناخت تعاریف مفاهیم در راستای شناسایی راهبردهای مناسب در هر پژوهشی، به دقت و انسجام و گستردگی این نوع شناسایی کمک می‌نماید. در همین راستا، کنکاش در دیدگاه‌ها و نظریات صاحب نظران در دوره‌های زمانی متفاوت در حوزه‌های مربوط به این پژوهش، محقق را به راهبردهای مطلوب، جهت ساخت وضعیت مطلوب، در محدوده مورد مطالعه رهنمون می‌سازد. از اینرو در جدول ۲ مختصری از تعاریف کاربردی گزارش شده است.

سکونتگاهای روستایی پدیده‌ای به ظاهر ابتدایی ولی در واقع پیچیده به نظر می‌رسند(زرگر، ۱۳۸۴: ۱۶۱) آنها طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته‌اند اما شکل و سازماندهی این خانه‌ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستاییان نقش بسیار تعیین کننده‌ای درشکل‌گیری آنها

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

محقق و سال انتشار	عنوان پژوهش	توضیحات
Mohammad Abdullah Eben Saleha ,1998	tegration of Tradition and modernity, Habitation internataional,	در این پژوهش اشاره شده است که الگوهای معماری و سبک خانه سازی در عربستان سعودی از حالت سنتی به مدرن تغییر یافته و از معماری مدرن شهری در سبک خانه سازی روستایی استفاده شده است. بنابراین بواسطه تغییرات اجتماعی و فرهنگی که به وجود آمده الگوهای سنتی معماری کمرنگ تر شده است.
M. Hasan et al,2000	rural housing in bungladesh: an inqulry in to housing typology Construction technology and in dlgenous practiees.	محقق اشاره می‌کند که در بنگلادش خانه نماد جایگاه و مقام و وضعیت ساکنین روستایی است. از اینرو طرح خانه‌ها براساس وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان آن متفاوت است و ساختار و طرح مساکن، بازتابی از وضعیت و شان افراد ساکن در آن است. خانه‌های روستایی در بنگلادش عمدتا بر مبنای وضعیت اجتماعی و اقتصادی صاحبان آنها از یک یا چند اتاق تشکیل شدند، شکل و اندازه اتاق‌ها متفاوت است که البته شکل مستطیل برای اتاق‌ها رایج‌تر است.
Carol R Ember and Melvin R. Ember, 2006	Cultural Anthropology	امبر، معتقد است که هر جامعه‌ای مرکب از عناصر مادی و غیر مادی است. زمانی که تغییر عمده‌ای در یک جامعه به وجود می آید، عناصر غیر مادی کندتر از سایر جنبه‌های فرهنگی دگرگون می‌شوند. البته در مقابل سرعت تغییرات فنی و عقب افتادگی تغییر ارزش‌ها، موجب فشارها و بحران‌هایی خواهد شد، اما در عین حال این محافظه‌کاری ارزش‌ها، شبیه ترمزی است که جریان بی حساب و بی بند و باردگرگونی‌ها را کند می‌کند و جامعه فرصت می‌یابد تا بدون بهم ریختگی ساختار اصلی خود، فنون و روش‌های تازه‌ای را جذب کند.
Lsil Hacihasanoglu & Orhan Hacihasanoglu, 2006	cultural processes and physical change in sisli –Istanbul	در این پژوهش اثرات فرآیندهای فرهنگی بر سیستم خانه‌سازی و تغییرات فیزیکی محیط و فضا بیان شده است و نویسندگان معتقدند که، مسکن کالای پیچیده‌تر از آنچه است که اکثر اقتصاددانان می‌دانند. ایمنی و آسایش هنوز ملزومات اولیه برای مسکن است به‌طوری که مسکن یک مزیت اجتماعی ترکیبی است.
حمیدرضا زراعی‌پور دژکوه، ۱۳۷۵	بررسی مردم شناختی سکونتگاه‌های سنتی دهدشت و سیر تحول آن	در این پژوهش به پارامترهایی چون عوامل زیست محیطی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بافت مسکن توجه شده و در مورد آن بحث شده است و به این نکته اشاره شد که؛ فرهنگ و مسکن دو عنصر از حیات بشر هستند که بر یگدیگر تاثیر متقابل دارند که از طریق انتخاب اجزاء فرهنگ می‌توان، به ارتباط آن پی برد.
مژگان خاکپور و حسام عشقی صنعتی، ۱۳۹۲	بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا، از یک سو متاثر از شرایط طبیعی است و از سوی دیگر، بر خصوصیات اقتصادی و کنش‌های معیشتی استوار بوده که خود، یکی از عوامل هماهنگی کنش‌های اجتماعی بوده و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌شود.
یعقوب زارعی، ۱۳۹۵	سنجش توسعه در مناطق روستایی با تاکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی	در این پژوهش ارزیابی کلی نتایج حاصله از میزان توسعه روستایی در شهرستان‌های استان خراسان رضوی، مبین این مطلب است که مناطق روستایی این شهرستان‌ها، به لحاظ میزان توسعه یافتگی از محرومیت رنج می‌برند و دلیل این محرومیت را باید در سیاست ها، راهبردها و خط‌مشی‌های نادرست اتخاذ شده در مناطق روستایی جستجو نمود که به مرور زمان، زمینه عدم تعادل بین مناطق را فراهم آورده است.

داشته است(سرتیپی پور، ۱۸۳۹: ۳). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت‌های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است. مصداق‌های معماری از همنشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن، عمق توجه نسبت به زندگی مردم و نیازهای آنهاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجا نموده است(همان: ۸) روستا و شهر هر یک نماینده‌ی نوعی نظام مسکن گزینی و مسکن‌سازی انسان و در عین حال نظام‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت‌اند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۲)، در این میان معماری روستایی گستره بی‌بدیلی از چاره اندیشی‌های خلاقانه برای به کارگیری امکانات محیط طبیعی و برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی روستاییان است. پاسخ‌های هوشمندانه و زیرکانه‌ای که همراه خود بار معنوی و فرهنگی برای بقای سطح زندگی روستاییان را به ارمغان می‌آورد (حسینی و ضیایی، ۱۳۸۸: ۹۳). از نظر تقوایی و همکاران(۱۳۸۸: ۱۰۷) عوامل اجتماعی –فرهنگی که سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهند، در چهار گروه کلی ساختار و اندازه خانواده، امنیت، عرصه‌ها و مذهب قابل توصیف هستند. لطفی و همکاران (۱۳۸۸: ۱۱۶) ویژگی‌های کلی مسکن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول۲- تعاریف مفاهیم پژوهش؛ منبع: نگارندگان

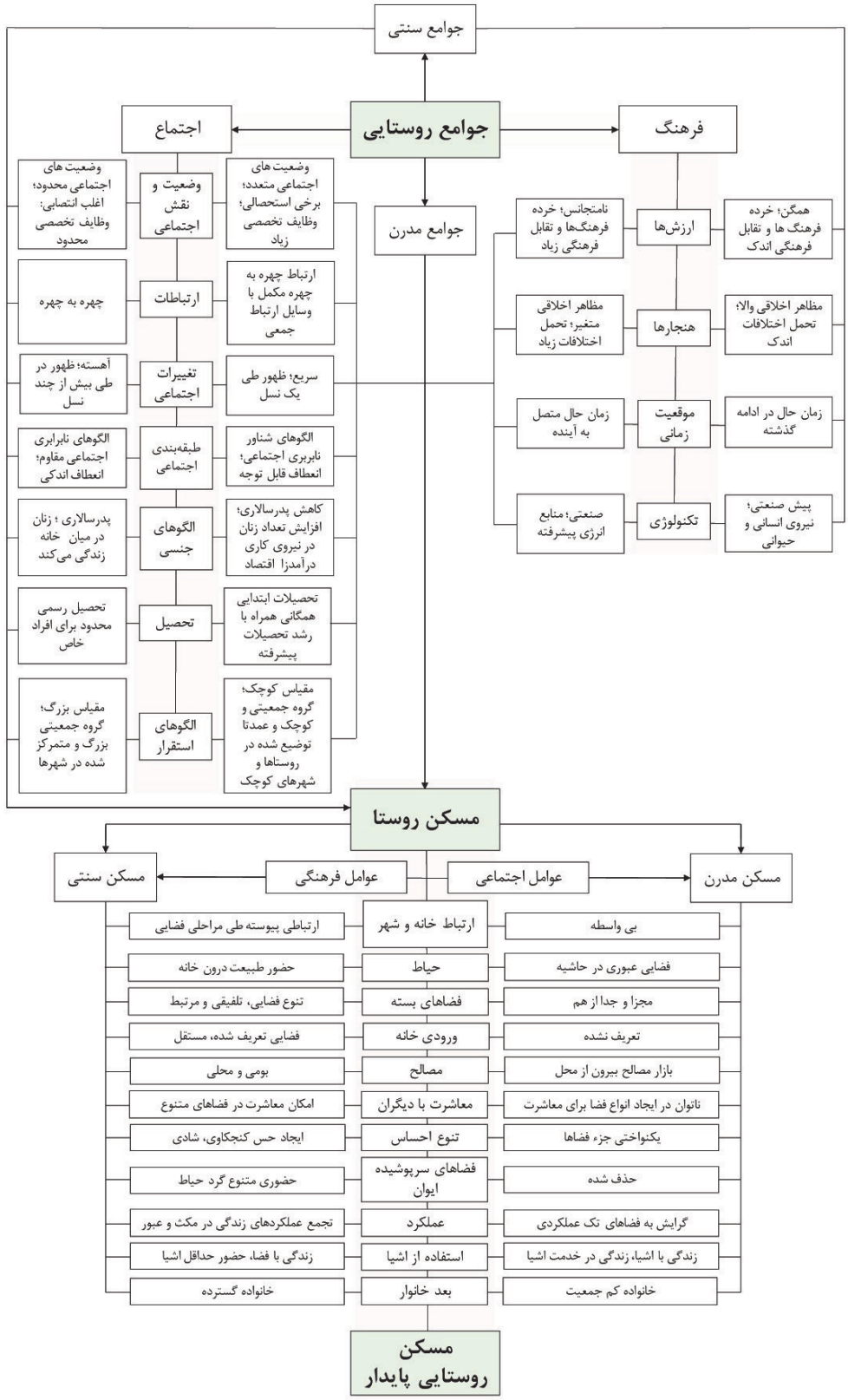
مفهوم	تعاریف	منبع
روستا	روستا، «معادل «روستاک» در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، روستاق، رسداق و یا رزداق است و هم معنا «ده » و «قریه» دانسته شده ؛ و «ده»، آبادی کوچک در خارج شهر» می‌باشد.	معین، ۱۳۷۵
	ده، بنا به تعریف از واژه «دهیو» به معنای سرزمین و کشور گرفته شده است روستا شامل ده یا قریه‌ای است، همراه با مزارع و باغات و پوشش طبیعی اطراف آن.	رضوانی، ۱۳۸۲
	معجم البلدان به نقل از حمزه بن حسن آرد می‌گوید: روستا جایی است که دارای مزارع و قراء باشد.	دهخدا، ۱۳۳۷
	در فرهنگ صبا «ده» ، «روستا» و «قریه» هم ارز یکدیگر بوده و برابر با «آبادی کوچک در خارج شهر که دارای چندین خانه روستایی باشد» ، تعریف شده است.	بهشتی، ۱۳۷۱
	روستا عبارت است از سکونتگاهی که تولید غالب آن کشاورزی و دامپروری بوده و جمعیت آن حداکثر ۵۰۰۰ نفر باشد.	مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵
مسکن	مسکن یا واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد.	مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵
	واژه‌ی "مسکن" از ماده‌ی سکن به معنی آرام گرفتن پس از حرکت، سکونت، آرامش باطن و انس گرفته شده است. مسکن، اسم مفعول کلمه ساکن است؛ یعنی جایی که محل آرامش و اسکان باشد.	حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۰
	تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها و عملکردهای انسانی است که همواره تحت تاثیر عوامل بازدارنده اقتصادی اجتماعی و موانع فیزیکی قرار دارد.	آمار و نائیج، ۱۳۹۰
	فضایی که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانوار را فراهم کند، به نحوی که آنها بتوانند بر حسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر، حریم لازم را بیابند.	بهرامی، ۱۳۹۰
	مسکن، خردترین و کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط بوده و تبلور فضایی کارکرد حیاتی سکونت انسان در ایفای نقش‌های اساسی وی می‌باشد.	حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۵
مسکن روستایی	مسکن یا خانه روستایی محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به صورت تک خانواری یا چند خانواری در زیر سقفی مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به صورت اختصاصی و جمعی است.	سعیدی و امینی، ۱۳۸۹
	نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش؛ در طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی مکان (به ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی - اقتصادی ایدئولوژیکی سازندگان آن)در هر منطقه شکل گرفته و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت‌ها - در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن می‌باشد.	شمس‌الدینی، ۱۳۸۷
مسکن پایدار	آن نوع مسکنی که نیازهای زیستی نسل کنونی را بر مبنای کارایی منابع طبیعی انرژی برآورده ساخته و در عین حال محلاتی جذاب و ایمن را ضمن توجه به مسائل اکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد نماید، مسکن پایدار است.	راضی، ۱۳۸۸
	مسکنی است که علاوه بر در برگرفتن امکانات و خدمات عمومی لازم برای زندگی بهتر انسان، متناسب با فرهنگ، شیوه‌ها و سنت‌های ساکنان آن باشد و باعث ثبات خانواده، رشد اجتماعی بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده شود.	بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱
	مسکن پایدار عبارت است از مسکنی که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان پذیر و مستحکم و سازگار با محیط‌زیست باشد.	Charles, 2007
فرهنگ	به معنای دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت و نیز به معنای کتاب است.	عمید، ۱۳۶۸
	فرهنگ، عامل استحکام، پایداری و تداوم یک اجتماع است. فرهنگ همزمان شامل نرم‌افزار مورد نیاز برای عملکرد یک سیستم اجتماعی است.	مورن، ۱۳۸۴
	فرهنگ کلیتی ناشی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند.	یونسکو به نقل از لطیفی، ۱۳۸۳
	مجموع های متشکل از شناخت، باورها، هنر، اخلاق، حقوق، آداب و دیگر عادت‌ها و ملکات اکتسابی انسان، به عنوان عضوی از یک جامعه.	صاحبی، ۱۳۵۵
	مجموعه رفتارهای روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و تکنولوژی دارند.	شکویی، ۱۳۷۴
اجتماعی	واژه "Community" به معنای اجتماع از ریشه لاتین "Communis" (مشارکت عامه) گرفته شده است. در زبان فارسی اصطلاح اجتماع از زبان عربی اخذ شده و به معانی جماعت، انبوهی، اشتراک، وفاق عمومی و شباهت زیستی گروهی از جانوران یا گیاهان یک منطقه جغرافیایی با شرایط مساوی به‌کار رفته است.	آراسته‌خو، ۱۳۷۰
	از منظر جامعه‌شناسی، اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای پیوندهای قوی و بادوامی‌اند و نیز گاهی اوقات مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین اعضای آن در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت منظمی دارند. افراد این گروه هویت‌یابی قوی با گروه دارند.	شارع‌پور، ۱۳۸۹

روستایی را به صورت زیر بیان می‌کنند:
-سازگاری با معیشت روستایی و فرهنگ مردم.
- طراحی و ساخت فضاهایی که هر یک کاربرد ویژه‌ای دارند.
- بومی و محلی بودن مصالح و تامین آن از محل.

غفاری و میری (۱۳۹۶) معتقدند معماری مسکن روستایی پاسخی است به نیازها و ضرورت‌های مردم روستایی هر منطقه، بر همین اساس نباید

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

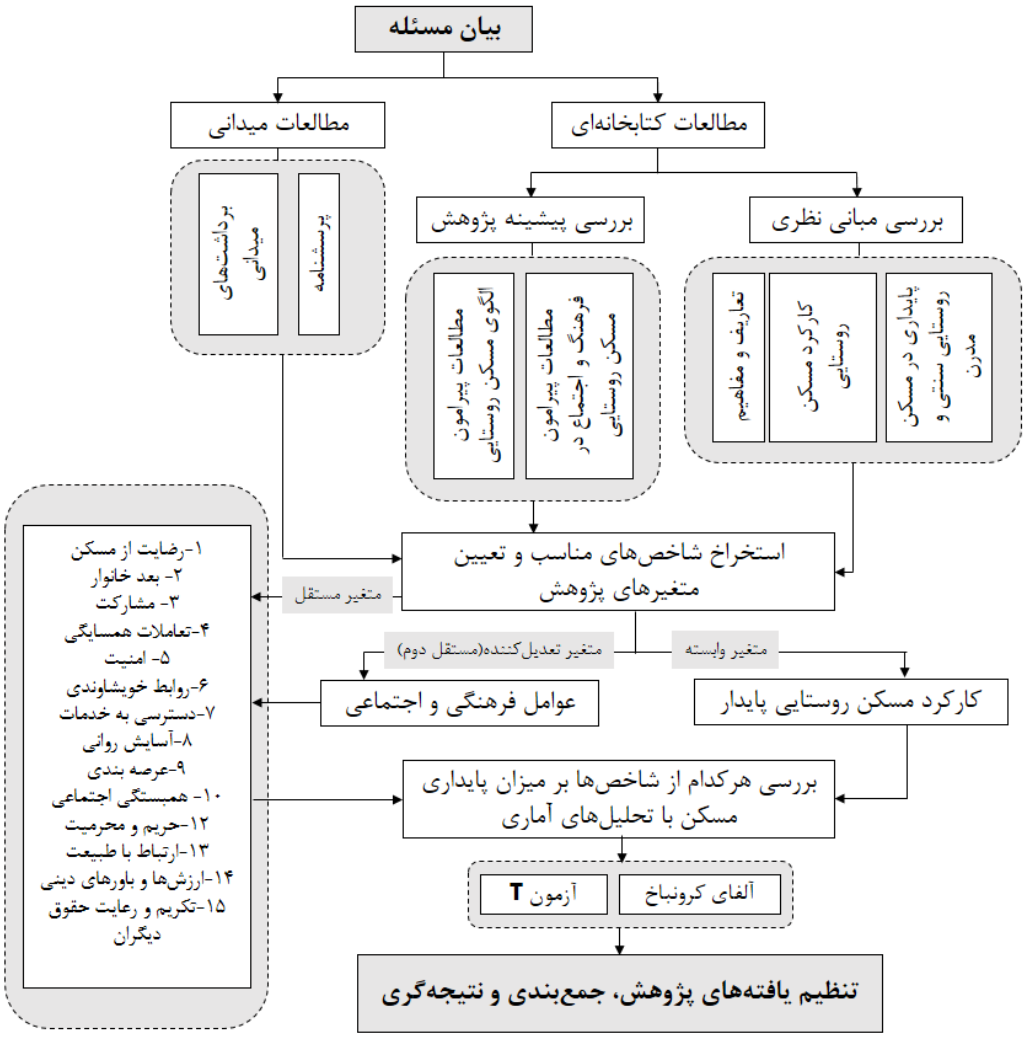
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل۱- مقایسه جوامع مدرن و سنتی روستا و روند شکل‌گیری مسکن آن‌ها متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی (منبع: نگارندگان)

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

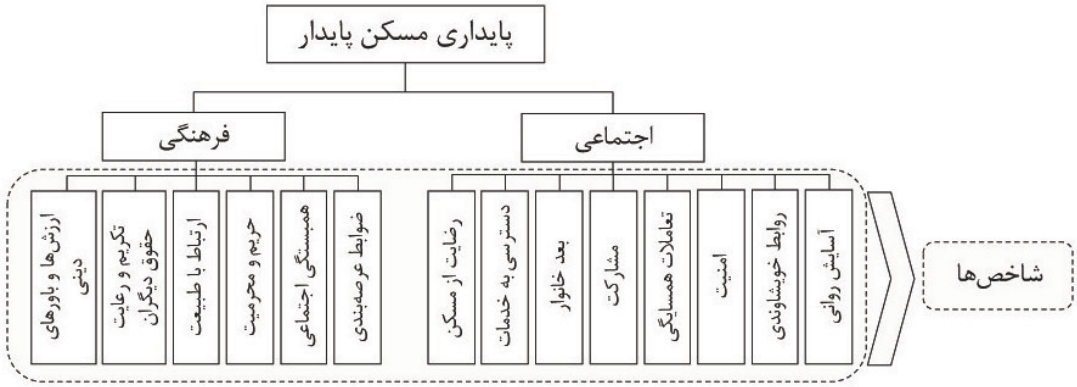


شکل۲- فرآیند پژوهش (منبع: نگارندگان)

تأثیر باورها و سنت‌های مردم را در ارتقای سطح کیفی مسکن نادیده گرفت و متذکر می‌شوند، در طراحی مسکن میبایست به مسائل فرهنگی توجه ویژه‌ای کرد زیرا، توجه نکردن به مسائل فرهنگی باعث تغییر ارزش‌ها و هنجارهای متأثر از آن خواهد شد و با تغییر اولویت‌ها کالبد مسکن روستایی نیز تغییر می‌کند و نظام فضایی مسکن و به تبع آن، هویت گذشته مسکن روستایی از بین خواهد رفت. سرتیپی‌پور(۱۳۸۴: ۴۴) اعتقاد دارد معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط‌زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباط و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت از نفس سکونت و شیوه‌ی زیست در روستا نشات می‌گیرد، با این حال، معماری واحدهای مسکونی جدید با الگوهای بومی تفاوت بسیار دارد و بیش از آنکه روستایی باشد، مشابه الگوهای جدید شهری است که شکل ۱، گویای تفاوت‌های جوامع مدرن و سنتی و مسکن هر کدام از آن‌ها که متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته، می‌باشد. لذا آنچه

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل۳- شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در پایداری مسکن روستا (منبع: نگارندگان)

مسلم است تاثیر ساختمان‌ها بر کارکردها و نقش کارکردهای مورد نیاز در ساخت خانه‌های روستایی است، چیزی که با حساسیت خاصی در تعامل با فراسیستم، با تغییر در ساخت‌ها و کارکردهای اجتماع ممکن است تغییرات زیادی داشته باشد، بنابراین در نبود برنامه‌ای منسجم و همه‌جانبه نگر، طبعا روندهای نامطلوب جاری ادامه خواهند یافت و در عوض توسعه ای پایدار، روند نامطلوب دوری از فرایند، توسعه‌ای دلخواه تحقق خواهد پذیرفت.

این پژوهش ازنظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، ازحیث هدف در زمره‌ی تحقیقات کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است که دارای دو زیر بخش عمده بوده است. بخش اول را مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات مختلف، پایان‌نامه‌های مرتبط با مسکن روستایی جهت بررسی مواردی چون ادبیات نظری موضوع و پیشینه تحقیق به خود اختصاص داده و بخش دوم را مطالعات میدانی و پیمایشی جهت جمع‌آوری اطلاعات و سپس تدوین و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه، در بر گرفته است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید اساتید دانشگاهی متخصص در این زمینه، رسیده است که پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بر آورده گردیده که با توجه به آستانه‌های در نظر گرفته شده در منابع علمی معتبر، از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار است. جامعه آماری شامل سرپرست خانوار تعدادی از مساکن روستاهای شهرستان نور از توابع استان مازندران که طی ۸ سال گذشته ساخته شدند، می‌باشد. حجم نمونه نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵% و احتمال خطای ۵% برابر با ۱۷۵ سرپرست خانوار به دست آمد که به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب و تکمیل گردید. با توجه به اینکه روستاهای موردمطالعه در محدوده شهرستان نور واقع شدند و از نظر وضعیت فرهنگی و اجتماعی شرایط نزدیک به‌هم دارند، همگن‌سازی داده‌ها ممکن شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها در محیط‌های نرم‌افزاری SPSS و Excel، به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد. در شکل ۲ روند انجام پژوهش تشریح گردیده است.

داده‌ها و یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها و مؤلفه‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی که موجب پایداری مسکن روستا می‌گردد مطابق شکل۳، دسته‌بندی شدند. این شاخص‌ها از طریق بررسی و مرور گسترده‌ی پژوهش‌های نظری در حیطه‌ی موضوع مورد پژوهش، مصاحبه‌ی حضوری و نیمه ساختارمند و نیز مشاهدات میدانی، شناسایی و استخراج شدند. مجموع شاخص‌ها به وسیله‌ی گروهی از معرف‌ها (گویه‌ها) مطابق جدول ۳، ارزیابی شد. تمامی گویه‌ها برمبنای مقیاس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول۳- ابعاد عملیاتی پایداری مسکن روستایی؛ منبع: نگارندگان

عامل	شاخص	معرف(گویه)
عوامل اجتماعی	رضایت از مسکن	میزان رضایت از کیفیت مصالح کاربردی میزان رضایت از نمای بیرونی خانه میزان رضایت از معماری داخلی میزان رضایت از دید و چشم‌انداز از منزل به اطراف
	ساختار خانوار	رضایت از ساختار خانواده به صورت گسترده رضایت از ساختار خانواده به صورت هسته‌ای
	مشارکت	میزان برخورداری منزل از فضایی مناسب جهت برپایی مراسمات(اعیاد، جشن عروسی، مراسم عزاداری و...) میزان مشارکت جمعی مردم روستا در برگزاری مراسمات
	تعاملات همسایگی	میزان برخوداری از فضایی مناسب جهت گفتگو با همسایگان در خانه میزان استفاده از فضای باز جهت گردهمایی همسایگان جهت تفریح و گذراندن اوقات فراغت
	امنیت	میزان امنیت از لحاظ قرارگیری محل خانه و حملات حیوانات وحشی به خانه در روستا میزان امنیت از لحاظ عدم دزدی و زورگیری و مزاحمت
	روابط خویشاوندی	میزان برخوداری از فضایی مناسب جهت معاشرت با خویشاوندان و همراهی آنها در جهت حل و فصل مشکلات میزان مقبولیت زندگی به صورت دسته جمعی در گرد یک حیاط یا یک خانه
	آسایش روانی	میزان آسایش از لحاظ عدم وجود آلودگی صوتی
	دسترسی به خدمات و امکانات	میزان دسترسی به مراکز خرید در روستا میزان دسترسی به حمل و نقل عمومی میزان دسترسی به مراکز بهداشتی میزان دسترسی به مراکز مذهبی و فرهنگی(مسجد، کتابخانه و...) میزان دسترسی به مراکز آموزشی میزان برخوردار واحد مسکونی از تاسیسات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی
عوامل فرهنگی	عرصه‌بندی	میزان رعایت سلسله مراتب از فضاهای عمومی تا خصوصی در فضای خانه میزان استفاده از آسپزخانه اپن‌دار در خانه میزان قرارگیری مناسب فضای جنبی(حمام، دستشویی و توالت) در خانه میزان قرارگیری مناسب محل اتاق‌ها در خانه میزان قرارگیری مناسب محل پذیرایی و آشپرخانه در خانه میزان برخورداری از فضاهای خدماتی(پارکینگ، انباری، محل نگهداری طیور و دام) در خانه میزان برخورداری از فضای ورودی و پیش ورودی مناسب جهت ورود به خانه
	همبستگی اجتماعی	میزان تجانس با همسایگان میزان تجانس با مردم روستای خود
	حریم و محرمیت	میزان رعایت دید و اشرافیت از منزل خود به واحد همسایه میزان رعایت دید و اشرافیت از واحد همسایه به خانه خود میزان رعایت حریم فضای باز در خانه خود میزان برخورداری از حریم فضایی مکث در مقابل ورودی خانه
	ارتباط با طبیعت	میزان برخوداری از فضای سبز در حیاط میزان حضور گل و گیاه و حوض در فضاهای باز و نیمه باز خانه میزان برخوداری از دید و منظر مناسب به طبیعت اطراف در منزل خود
	ارزش‌ها و باورهای دینی	میزان برخورداری از باورهای اعتقادی(جهت قبله) در خصوص جانمایی فضاهای خانه (سرویس بهداشتی)
	تکریم و رعایت حقوق دیگران	میزان توجه به قراردادن بهترین فضا در خانه به مهمان میزان رسیدگی و رعایت بهداشت در فضاهای مشترک عمومی با همسایه در جلوی خانه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۴- مقدار آلفای کرونباخ مشاهده شده؛ منبع: یافته‌های پژوهش

عنوان	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
عوامل اجتماعی	۲۱	۰/۷۳۳
عومل پایداری فرهنگی	۱۹	۰/۸۴۴

جدول۵- سنجش شاخص‌های عوامل اجتماعی در پایداری مسکن؛ منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص	حد متوسط پایداری (۳)				
	مقدار T	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵	
				حد پایین	حد بالا
رضایت از مسکن	-۶/۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	-۰/۸۰	-۰/۴۴
بعد خانوار	-۴/۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	-۰/۶۰	-۰/۲۱
مشارکت	-۸/۵۵	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	-۰/۷۷	-۰/۴۸
تعاملات همسایگی	-۱/۸۴	۰/۶۷۰	-۰/۱۰	-۰/۲۱	۰/۱۰
امنیت	۰/۲۴	۰/۸۰۴	۰/۲۰	-۰/۱۴	۰/۱۸
روابط خویشاوندی	۱۷/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۷۶	۰/۶۷	۰/۸۴
دسترسی به خدمات	-۵۵/۲۸	۰/۰۰۰	-۱/۷۱	-۱/۷۷	-۱/۶۵
آسایش روانی	۲۱/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۹۳	۰/۸۴	۱/۰۲

نمره‌دهی پنج درجه‌ای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم شدند و پایایی آنها برمبنای آلفای کرونباخ مطابق جدول ۴ با اعتبار ۰/۷۳۳ برای بعد اجتماعی و ۰/۸۴۴ برای بعد فرهنگی تأیید گردید.

در راستای بررسی وضعیت شاخص‌ها در ابعاد دوگانه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است؛ به این صورت که عدد ۳ به عنوان حد متوسط پایداری در نظر گرفته شده است و داده‌ها در هر یک از شاخص‌ها با این عدد سنجیده شدند. در آزمون t تک نمونه‌ای فرض H۰ بیانگر برابری پایداری با عدد ۳ (حد متوسط پایداری) است و فرض H۱ گویای عدم برابری با حد متوسط پایداری است. در این صورت باید از مقادیر حد بالا و حد پایین، استفاده کرد که:

هرگاه حد بالا و پایین مثبت باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده بزرگتر است.

هرگاه حد بالا و پایین منفی باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده کوچکتر است.

بنابراین، با استفاده از این آزمون، کلیه شاخص‌ها در سه سطح ناپایدار، تاحدی پایدار و پایدار تقسیم‌بندی می‌شوند. به این صورت که در ابتدا شاخص‌های بعد اجتماعی سنجش شدند، که با توجه به نتایج به دست آمده در جدول۵ و ارزیابی شاخص‌ها در جدول ۷، شاخص‌های رضایت از مسکن، بعد خانوار، مشارکت و دسترسی به خدمات با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده، در شرایط ناپایدار، شاخص‌های تعاملات همسایگی و امنیت در شرایط تا حدی پایدار و شاخص‌های روابط خویشاوندی و آسایش روانی در شرایط پایدار قرار گرفتند.

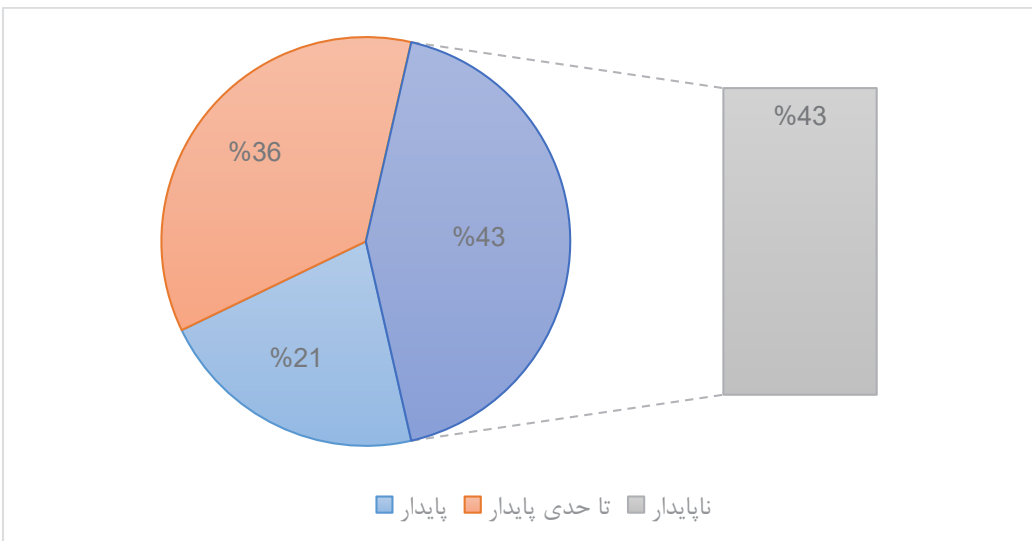
همچنین، برای سنجش بعد فرهنگی مسکن نیز شاخص‌ها با حد متوسط خود سنجش شدند که با توجه به نتایج به دست آمده در جدول۶ و ارزیابی شاخص‌ها در جدول ۷، شاخص‌های عرصه‌بندی و ارزش‌ها و باورهای دینی در شرایط ناپایدار، شاخص‌های همبستگی اجتماعی، حریم و محرمیت، تکریم و رعایت حقوق دیگران در شرایط تا حدی پایدار و همچنین شاخص ارتباط با طبیعت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول۶- سنجش شاخص‌های عوامل فرهنگی در پایداری مسکن؛ منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص	حد متوسط پایداری (۳)				
	مقدار T	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵	
				حد پایین	حد بالا
عرصه‌بندی	-۱۷/۵۴	۰/۰۰۰	-۰/۸۷	-۰/۹۷	-۰/۷۷
همبستگی اجتماعی	-۰/۱۴	۰/۸۸۳	-۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۰۹
حریم و محرمیت	۱/۳۳	۰/۱۸۲	۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۲۷
ارتباط با طبیعت	۶/۵۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۲۳	۰/۴۳
ارزش‌ها و باورهای دینی	-۵/۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۶۱	-۰/۸۲	-۰/۴۰
تکریم و رعایت حقوق دیگران	۱/۵۸	۰/۱۱۴	۰/۱۳	-۰/۰۳	۰/۳۰

نمودار ۱-میزان پایداری در مسکن روستایی معاصر(منبع: نگارندگان)



در شرایط پایدار قرار دارد.

تحلیل یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول‌های ۵ و ۶ مورد ارزیابی قرار گرفته که مطابق آنچه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، در شرایط کلی، الگوی ساخت مساکن روستایی از لحاظ برخورداری از معیارهای پایداری، به میزان ۲۱% در شرایط پایدار، به میزان ۳۶% در شرایط تا حدی پایدار و به میزان ۴۳% در شرایط کاملا ناپایدار قرار داشته است. همچنین نتایج حاصل از ارزیابی هریک از شاخص‌های موثر بر میزان پایداری مسکن روستا در ابعاد اجتماعی و فرهنگی در جدول ۷ ارائه شده که بر طبق آن، می‌توان علت ناپایداری برخی شاخص‌های اجتماعی از جمله: دسترسی به خدمات، بعد خانوار، رضایت از مسکن و مشارکت و همچنین ناپایداری شاخص‌های فرهنگی شامل: عرصه‌بندی و ارزش‌ها و باورهای دینی در مسکن روستایی را به شرح زیر تفسیر کرد.

با توجه به اینکه اکثریت روستاها نزدیک به شهر بوده، دسترسی به خدماتی از جمله مراکز فرهنگی و خرید در حوزه شهری فراهم شده است، حمل و نقل‌های عمومی هم گاها به روستا ثابت نبوده و در

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول۷- ارزیابی شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی از لحاظ پایداری در مسکن؛

منبع: نگارندگان

عامل	شاخص	پایدار	تا حدی پایدار	ناپایدار
اجتماعی	رضایت از مسکن			■
	روابط خویشاوندی	■		
	مشارکت			■
	دسترسی به خدمات			■
	امنیت		■	
	بعد خانوار			■
	تعاملات همسایگی		■	
	آسایش روانی	■		
فرهنگی	عرصه‌بندی			■
	همبستگی اجتماعی		■	
	حریم و محرمیت		■	
	ارتباط با طبیعت	■		
	ارزش‌ها و باورهای دینی			■
	تکریم و رعایت حقوق دیگران		■	

ساعات خاصی از روز دسترسی به روستاهای اطراف و همچنین به شهر فراهم می شد. ضمنا از سر محل تا ته محل نیز، وسایل نقلیه ثابتی وجود نداشت و تردد مردم پیاده در روستا گاها از طریق آشناییت با سایر افراد سواره، در محل روستا انجام می‌شود. از لحاظ برخوردای از شرایط آموزشی نیز نهایتا شرایط برای تحصیل در مقاطع ابتدایی و اول متوسطه در محیط روستا و یا روستاهای اطراف آن که به عنوان حوزه نفوذ بودند، فراهم می‌شد و برای تحصیل در مقاطع بالاتر یقینا می‌بایست به شهر رفت و این خود مسئله‌ای در عدم رغبت برخی از نوجوانان به ادامه تحصیل و رشد آمار بی‌سوادی در میحط روستا بوده است.

از آنجائیکه ساختارخانواده در روستا کوچک و به صورت هسته‌ای شده و خانواری که قبلا به صورت جمعی زندگی می‌کردند پس از ازدواج فرزندانشان و مهاجرت آنها به شهر برای اشتغال و درآمد بیشتر، کوچک شده و مادر و پدر به تنهایی در خانه زندگی کرده و یا اینکه فرزندانشان به زندگی مستقل فارق از زندگی دورهمی و جمعی گرایش بیشتری داشتند. در این حالت، متناسب با جمعیت هر خانوار، ساختار فضایی خانه نیز تغییر یافت و برخی فضاها یا کوچک شده یا از ساختار خانه حذف شدند، حتی حیاط‌های بزرگی که چندین خانوار را گرد هم جمع می‌کرد، با برپایی مراسمات(اعیاد، جشن عروسی، مراسم عزاداری و...) ضمن انجام برخی مناسبات و استحکام روابط خویشاوندی، مشارکت جمعی اقوام را بیشتر کرده و حتی سایر مردم روستا را نیز گرد هم می‌آورد، اما در این پژوهش دیده شد که در پس کوچک و یا حذف شدن همین فضای با ارزش از ساختار فضایی مسکن روستایی، مشارکت اجتماعی مردم روستا نیز کمرنگ شد.

همچنین در پی ورود مصالح مدرن و غیر بومی مورد استفاده در ساخت مساکن جدید در روستا، هرچند دارای کیفیات لازم بودند اما نوعی چنددستگی و ناهماهنگی را در بدنه و ظاهر کلی روستا ایجاد کردند که با گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و چشم تو هم چشمی و گرایش هر چه بیشتر مردم روستا

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به سمت نوگرایی و کاهش سادگی و بی‌پیرایگی در چیدمان و معماری داخلی فضاها و همچنین گسترش تجمل‌گرایی که در تضاد با ارزش‌های فرهنگی یک روستایی بوده، خود معضلی را بر عدم رضایت ساکنین از مسکن فعلی خود پدید آورد و منجر به استفاده بیشتر ساکنین، از مصالح غیربومی و ناهمگون با بافت کالبدی روستا و بهره‌گیری از شیوه و طراحی ساخت مدرن، شد.

رواج فرهنگ شهرگرایی و سبک زندگی آنان در محیط روستا از یک سو و نزدیکی به مراکز صنعتی و خرید شهری از سوی دیگر، نوع اشتغال و امرار معاش مردم روستا را تغییر داد و فضاهایی که در ساختار خانه، محلی برای نگه‌داری دام و طیور و بعضا نگه‌داری محصولات کشاورزی بود از ساختار فضایی خانه حذف شد و در فضای داخلی نیز استفاده از آشپرخانه اُپن‌دار که در مناطق شمالی با نوع پخت و پز، چندان کارآیی لازم را نداشت جایگزین آشپرخانه‌های سنتی‌ای که همواره مسئله محرمیت و حریم خصوصی در آن رعایت می‌شد، گشت. هرچند قرارگیری هریک از فضاهای خانه به صورت متنوع در مساکن جدید دیده می‌شود اما گاها، در بحث عرصه‌بندی مسکن، سلسله مراتب از فضاهای عمومی مانند پیش‌ورودی تا خصوصی‌ترین بخش فضای یک خانه مانند اتاق، به درستی رعایت نشد. حتی مردمی که در خصوص قرارگیری هر یک از فضاهای خانه خود مانند قرارگیری محل سرویس‌های بهداشتی متناسب با جهت قبله، ارزش‌ها و باورهای دینی و اعتقادیشان را الویت قرار می‌دادند، در این پژوهش دیده شد که، امروزه خیلی به آن توجه نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مسکن است که به عنوان یکی از اصلی‌ترین بناهایی است که توسط مردم هر جامعه ساخته می‌شود. مسکن در هر جامعه‌ای متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و محیطی شکل می‌گیرد و ساختار آن نیز از این عوامل تبعیت می‌کند پس هر گونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی، به طریق‌های مختلف در مسکن تجلی می‌یابد که این امر سبب شده تا علاوه بر تغییر شکل ظاهری مسکن، عملکرد فضاها نیز دگرگون شود، بنابراین طبق تحلیل‌های انجام شده و بررسی نتایج بدست آمده از تاثیرگذاری شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی بر میزان پایداری در مسکن روستایی گواه این است که؛ شاخص‌های روابط خویشاوندی، آسایش روانی، ارتباط با طبیعت به میزان ۲۱% در شرایط پایدار، شاخص‌های تعاملات همسایگی، امنیت، همبستگی اجتماعی، حریم و محرمیت، تکریم و رعایت حقوق دیگران به میزان ۳۶% در شرایط تا حدی پایدار و شاخص‌های رضایت از مسکن، بعد خانوار، مشارکت، دسترسی به خدمات، عرصه‌بندی، ارزش‌ها و باورهای دینی با بیشترین میزان، ۴۳% در شرایط ناپایدار قرار دارند، بنابراین عدم دسترسی به خدمات رفاهی و امکانات زیر ساختی باعث وابستگی روز به روز روستاییان به حوزه‌ی شهری شده، کم شدن ارزش‌ها و باورهای دینی منجر به تغییر در سبک زندگی و تقلید از آداب و رسوم و پذیرش فرهنگی غیر از فرهنگ حاکم بر روستا گشته، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک منجر به کوچک ساختن خانه و فضاها و تغییر در نحوه‌ی کارکرد و حتی حذف برخی از فضاهایی که پاسخ‌گوی تعاملات اجتماعی بوده، گردیده است که همین عامل خود باعث بروز برخی ناهنجاری‌های اجتماعی در روستا شده، در بحث عرصه‌بندی، مفاهیمی چون حریم و سلسله مراتب خصوصی و عمومی در سازماندهی خانه معاصر به‌درستی رعایت نشده و تغییراتی در سازمان فضایی خانه ایجاد شده که موجب محدود شدن دامنه عملکردی فضاها گشته و در طراحی خانه، به جای محوریت انسان و نیازهای او، اشیاء و لوازم در شکل‌گیری فضاها حاکمیت پیدا کرده و حدود خانه، فرم فضاها و حتی چگونگی حرکات

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

انسانی را رقم می‌زنند و عوامل بسیار دیگری که امتداد آنها، باعث سیر نزول ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در الگوی ساخت یک خانه ایرانی خواهد شد و در نتیجه ایجاد عدم رفاه اجتماعی، توسعه نیافتگی روستایی، گسست روابط اجتماعی و در نهایت مهاجرت روستاییان از آن مکان سکونتی، خواهد شد.

منابع

۱. آمار، تیمور. (۱۳۹۲)، تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان به منظور تدوین الگوی توسعه کالبدی، نشریه برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، سال دوم، شماره۴، صص ۷۲-۶۰.

۲. آمار، تمور ؛ نائیج، فرشاد. (۱۳۹۰)، تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، صص ۵۶-۴۳.

۳. آراسته‌خو، محمد. (۱۳۸۱)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ دوم، نشرگستره، ایران: تهران، ص ۶۴.

۴. بهشتی، محمد. (۱۳۶۹)، فرهنگ صبا، انتشارات صبا، ایران: تهران.

۵. بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰)، تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، مجله مسکن و محیط روستا، شماره۲، صص ۱۰۴-۹۵.

۶. بسحاق، محمدرضا؛ سالاروند، اسماعیل؛ صیدایی، سید اسکندر. (۱۳۹۱)، تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها و عوامل پایداری مسکن روستایی نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان روانسر، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۴۷-۲۵.

۷. تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام‌پور، مهدی؛ شاهین‌راد، مهنوش. (۱۳۸۸)، بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب‌شناسی- رهنموده، آرمانشهر، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۵.

۸. حسینی، بهشید؛ ضیایی، مجید. (۱۳۸۸)، الگوی آموزش معماری روستایی در دانشکده‌های معماری، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۴۱، سال یازدهم، صص ۱۱۱-۹۳.

۱۰. حسینی، سید بهشید؛ ضیایی، مجید؛ حق شناس، جواد؛ مهدیار، لیلی؛ حسینی، مریم. (۱۳۹۰)، معماری بومی در سکونتگاه‌های دره طالقان(نگاهی به مسکن روستایی طالقان)، دوفصلنامه‌نامه‌ی معماری و شهرسازی، شماره ۷، صص ۵-۲۳.

۱۱. حکمت‌نیا، حسن؛ انصاری، ژینوس. (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه‌ی پایدار، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۲۰۷-۱۹۱.

۱۲. حاتمی‌نژاد، حسین؛ سیف‌الدینی، فرانک؛ میره، محمد. (۱۳۸۵)، بررسی شاخص‌های مسکن غیر رسمی در ایران، نمونه موردی: محله شیخ آباد قم، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۸۵ ، صص ۱۴۵-۱۲۹.

۱۳. خاکپور، مژگان؛ عشقی صنعتی، حسام. (۱۳۹۲)، بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، صص ۳-۲۰.

۱۴. خاکپور، مژگان؛ شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، مجله مدیریت شهری، شماره۲۷، صص ۲۲۹-۲۴۶.

۱۵. خجسته قمری، محمد امین.(۱۳۹۰)، شاخص‌های طراحی معماری مسکن بر مبنای فرهنگ ایرانی، همایش ملی سازه، راه، معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس.

۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۲)، لغت‌نامه دهخدا، سازمان لغت‌نامه، ایران: تهران.

۱۷. راپاپورت آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، چاپ اول، ترجمه خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند .

۱۸. راضی،امیر. (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی توسعه مسکن پایدار در شهر حاجی آباد فارس، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۱۹. رضوانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲)، رابطه شهر و روستا (مطالعات شهری و منطقه‌ای)، انتشارات ملکان، ایران: تهران.
۲۰. رحیمی، روح الله. (۱۳۹۲)، پایداری اجتماعی معماری تبرستان، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۲۱. ربیعی‌فر، ولی‌الله. (۱۳۹۶)، تبیین پایداری ساختار کالبدی فضایی مسکن روستایی استان زنجان، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۱، پیاپی۵، ۹۰-۷۱.
۲۲. زرگر، ابراهیم. (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ایران.
۲۳. زراعی، یعقوب. (۱۳۹۵)، سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی، فصلنامه علمی‌ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، شماره ۲، سال یازدهم، صص ۵۱- ۷۵.
۲۴. زراعی‌پور دژکوه، حمیدرضا. (۱۳۷۵)، بررسی مردم‌شناختی معماری سکونتگاه‌های سنتی دهدشت و سیر تحول آن، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. زراعت‌پیشه، محسن؛ حسینی، سارا. (۱۳۹۲)، دگرگونی‌های فرهنگی در ایران و تاثیرات آن بر هویت شهری، اولین همایش ملی ساختمان آینده، ساری.
۲۶. سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۴)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۵۲-۴۳.
۲۷. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۵)، مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۴۷-۵۶.
۲۸. سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۹۲)، معماری خانه‌های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۵-۳۶.
۲۹. سعیدی، عباس؛ امینی، فریبا. (۱۳۸۹)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، نمونه موردی: روستای خفر، ناحیه نطنز بادرود، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۷، سال هشتم، صص ۴۳-۲۹.
۳۰. سالاروند، اسماعیل. (۱۳۹۰)، سنجش و ارزیابی شاخص‌های مسکن پایدار روستایی(مطالعه موردی روستاهای قلعه رستم، تیان، میانرودان دهستان سلاخور شرقی)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: مهدی پورطاهری، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۱. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ دوم، نشر سمت، ایران: تهران.
۳۲. شکویی، حسین. (۱۳۵۵)، حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، انتشارات دانشگاه تبریز، ایران: تبریز.
۳۳. شمس الدینی، علی. (۱۳۸۷)، جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی فضایی روستاها از محیط ۴۲ شهری، مجله مسکن و انقلاب، صص۵۱-۴۰.
۳۴. صاحبی، محمدجواد. (۱۳۸۴)، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران: تهران.
۳۵. عنابستانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲)، تحلیل آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان بینالود)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۵، سال سوم، صص ۵۷-۶۸ .
۳۶. غفاری، سید رامین؛ میری، آسیه. (۱۳۹۶)، فرآیندهای مکانی فضایی در گونه‌شناسی مسکن روستایی مورد مطالعه: (استان چهارمحال و بختیاری؛ دهستان کیار غربی)، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۳، پیاپی۷، صص ۱۲۸-۱۱۷.
۳۷. فاضلی، نعمت اله. (۱۳۸۶)، مدرنیته مسکن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

(رویکـردی مردم‌نگارانـه بـه مفهـوم خانـه، سـبک زندگـی روسـتایی و تحـولات امـروزی آن، فصلنامـه تحقیقات فرهنگی، شـماره ۱، سـال اول، صص ۶۳-25.

38. گل‌محمـدی، فرهـاد. (1390)، بررسـی شـیوه‌های آموزشـی و ترویـج دانـش بومـی معمـاری روسـتایی نمونـه مـوردی: اسـتان سیسـتان و بلوچسـتان، مجله مسکن و محیط روسـتا، شماره 316، صص 94-79.

39. لطیفی، غلامرضا. (1383)، نقش و اهمیت توسـعه فرهنگی در توسـعه شـهری پایـدار، مجله اطلاعات سیاسـی- اقتصادی، شـماره 199و200، صـص 145-138.

40. لطفـی، حیـدر؛ احمـدی، علـی؛ حسـن زاده فرجـود، داوود. (1388)، شـاخص‌های و مولفه‌هـای ضـروری در برنامه‌ریـزی و سیاسـت گذاری مسـکن روسـتایی در ایـران، فصلنامـه جغرافیایی آمایـش، شـماره 7، صـص 123-105.

41. مـورن، ادگار. (2001)، هویت انسـانی، جلد سـوم، ترجمه امیر نیـک پی و فائزه محمدی، نشـر قصیده سـرا، ایـران: تهران.

42. معیـن، محمـد. (1375)، فرهنـگ معین، انتشـارات امیرکبیر، ایـران: تهران.

43. مرکز آمار ایران. (1375)، شناسنامه آبادی‌های کشور.

44. ملکـی، سـعید؛ سـجادیان، مهیـار. (1395)، تبیین چالش‌های در راه‌های روستایی (ITS) اسـتقرار سـامانه حمل و نقل هوشـمند کشـور به منظور کاهـش تصادفات، فصلنامه جغرافیـا و برنامه‌ریزی شـهری چشـم انداز زاگرس، دوره 8، شـماره 29، صص 152-131.

45. ملایـی شـمس، وجیهـه؛ علـی اکبـری، عارفـه. (1392)، تاثیر فرهنـک در معمـاری بومـی، همایش ملـی معماری و شهرسـازی و توسـعه پایـدار بـا محوریت از معماری بومی تا شـهر پایدار، مشـهد.

46. هروی‌پـوده، سـاناز؛ رزاقی، علیرضا. (1393)، بررسـی معیارهای پایـدار اجتمـای در معمـاری مسـکون ایرانـی، اولیـن همایش ملی معمـاری، عمران و محیط زیسـت شـهری، رشـت.

47. Charles L, Choguill. (2007). Choguill, The search for policies to support sustainable housing, Journal of Habitant International, 31, 143-149.

48. Carol R, Ember; Melvin R, Ember. (2006), Cultural anthropology, Blind & Dyslexic Publishing.

49. Hacihasanoglu,Isil; hacihasan oglu, Orhan. (2006), Cultural processes and physical change in sisli- Istanbul, 30(4), 902-915.

50. Ferdous, Lamia; Al Kafy, Abdulla; Raihan Gafur, Akanda Md; Abdul Wakil, Md. (2017), An Analysis on Influencing Factors of Rural Housing and Settlement Pattern in Rajshahi, Bangladesh, Landscape Architecture and Regional Planning, 2(4), 99-109.

51. hasan,M; Gomes C D; ullah, M S. (2000), Rural housing in bungladesh: an inqulry in to housing typology Construction technology and in dlgenous practiees, Village infrastructure to cope with the environment, 51-60.

52. Rymond, B; Androw,N. (2000), The Traject ories of Rural life: new perspectives on rural Canada-mont Alison University, published by university of Regina.

53. Ruda,Gy. (1998), Rural buildings and environment, Landscape and Urban Planning ,41(2), 93-97.

54. Saleha, Mohammed Abdullah Eben.(1998), The Integration of Tradition and Modernity: A Search for an Urban and Architectural Identity in Arriyadh, The Capital of Saudi Arabia, Habitat in ternataional, 22(1), 571-589.

55. Short, J R. (2006), Urban Theory Acritical Assessment, Routledge, Newyork, published by Palgrave.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019
۳۰۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]